کارت‌های بانکی و خطوط همراه اول اتباع افغانستان در ایران مسدود شده، محمدکاظم کاظمی گلایه‌هایش را بیان می‌کند

هرگز شهروند محسوب نشدیم

جام جم موضوع پیش‌آمده برای اتباع خارجی در ایران را از بانک مرکزی پیگیری کرد

زینب مرتضایی‌فرد
فرهنگ و هنر

در حال خرید کردن برای خانه هستی، می‌خواهی برای فرزندت در شهری دیگر پول واریز کنی، مقابل خودپرداز بانک هستی تا برای نیاز روزانه‌ات پول نقد بگیری، بیمار اورژانسی داری و پای صندوقداری بیمارستان ایستاده‌ای تا کارت بکشی و سریع کارت را انجام دهی. فقط با یک عبارت مواجه می‌شوی: «کارت شما مسدود شده است.» اگر شانس بیاوری و هنوز ساعت کاری بانک‌ها نگذشته باشد، راهی بانک می‌شوی و این بار نه یک عبارت که فقط یک کلمه می‌شنوی، یک کلمه سؤالی: «اتباعی؟» بله. اتباع هستم. پاسخ هم این است که کارت شما مسدود شده دیگر! مهم نیست در چه حالی هستی و این موضوع چه ناامنی تلخی را به تمام وجودت تزریق می‌کند، بر اساس بخشنامه بانک مرکزی، فعلا امکان دسترسی به پولت را نداری. این اتفاق تلخ را آن دسته از مردم افغانستان که سال‌هاست در ایران زندگی کرده‌اند، آن‌طور که خودشان می‌گویند، حالا هر دوره‌ای به شکلی با این مشکل و موارد مشابه روبه‌رو شده‌اند. یک بار برای گرفتن خط موبایل و یک بار دیگر هم در سیستم بانکی و....

طی سال‌های گذشته از سوی بانک مرکزی و البته با استناد به پیشنهاد شورای امنیت ملی، بخشنامه‌ای به بانک‌ها ارائه می‌شود که برمبنای آن اتباع خارجی که مدرک اقامت ویژه و امکان استفاده از خدمات اداری و بانک‌ها و... را دارند، مورد کنترل و بررسی قرار بگیرند. این بخشنامه به مرور کامل‌تر هم می‌شود و آخرین آن سال گذشته در دستور کار قرار می‌گیرد. حالا اما اقدامی که قرار است در راستای مبارزه با پولشویی و مقابله با تامین مالی تروریسم انجام گیرد، تبدیل شده به بلای جان اتباع غیر ایرانی که اندک پولی در حد گذران زندگی در حساب خود دارند و روزگارشان با همان مبلغ ناچیز می‌گذرد.

۱ مسؤولان به ما فکر نمی‌کنند

ماجرای دسترسی نداشتن به کارت‌های بانکی، اما از کانال شخصی زینب بیات به گوش همه رسید. او که با صدا و سیما همکاری دارد و سال هاست مشغول کار در عرصه فرهنگ است، سال ۱۳۶۱ به ایران آمده، حدودا هشت ساله بوده، همین جا درس خوانده و کار کرده و با محمدکاظم کاظمی، شاعر ازدواج کرده است. او در حال خرید برای خانه‌شان بوده که متوجه می‌شود کارتش مسدود است، به بانک مراجعه می‌کند و ماجرایی که اول گزارش روایت کردیم را پشت سر می‌گذارد.

او درباره این اتفاق به جام جم می‌گوید: از این اتفاقات زیاد رخ داده، اما دیگر آستانه تحمل‌مان پر شده است. چرا باید با شرایطی روبه‌رو شویم که برای واریز پول به حسابمان مشکلی نباشد، اما خودمان نتوانیم از آن برداشت کنیم. هر سال تقریبا از این دست اتفاق‌ها می‌افتد و کمی هم زمان می‌برد تا دوباره کارتمان فعال شود و بتوانیم به روال عادی برگردیم. سؤالم این است که مسؤولان فکر نمی‌کنند اگر بیماری در بیمارستان داشته باشیم باید آن لحظه چه کنیم؟ آیا نمی‌توانند لااقل با یک پیامک به ما اطلاع دهند و این برخورد غیرمنصفانه را با ما نداشته باشند؟

بیات همچنین اظهار می‌کند: پسر برادرم در تهران مهاجر قانونی است و حساب بانکی دارد، اما نمی‌تواند کارت بانک داشته باشد، این واقعا عجیب است. البته ماجرا محدود به همین اتفاق نیست و درباره داشتن تلفن همراه هم با همین معضل روبه‌روییم. خط موبایل همسرم، آقای کاظمی به نام یک دوست ایرانی است. آن هم در حالی که ما سال‌هاست در همین کشور زندگی می‌کنیم و اقامت قانونی هم داریم.

۲ ممنوعیت راه‌حل نیست

محمدکاظم کاظمی، شاعر شناخته شده هم اهل افغانستان است و ۳۴ سال از مهاجرت و زندگی‌اش در ایران می‌گذرد. او هم دل پر دردی دارد و معضلات اتباع خارجی در ایران را خیلی بیشتر از مسدود شدن کارت بانکی می‌داند. او می‌گوید: خیلی از مهاجران افغانستانی ۳۰ سال یا حتی بیشتر است که در ایران زندگی می‌کنند و از نظر مقررات هنوز مهاجر غیرقانونی محسوب می‌شوند که جواز اقامت موقت دارند. حالا هم تصویب شده فقط آنهایی که مهاجرت قانونی دارند، می‌توانند کارت بانکی داشته باشند و با توجه به این‌که کارت شناسایی معمولی نمی‌تواند مجوز اقامت قانونی آنها به حساب بیاید، دیگر نمی‌توانند کارت بانکی داشته باشند. این اتفاق در شرایطی رخ می‌دهد که ۶۰ درصد مهاجران با چنین شرایطی در ایران زندگی می‌کنند و کار برایشان بسیار سخت است.

او ادامه می‌دهد: در ایران هر جا پای مهاجران به میان آمده و معضلی ایجاد شده، مسؤولان تنها راه‌حلش را ممنوعیت دانسته‌اند. گواهینامه گرفتن و ماشین داشتن ممنوع می‌شود، چون ممکن است برخی اتباع مسافرکشی کنند. سفر به دیگر شهرهای ایران ممنوع می‌شود چون ممکن است یکی از جمع مهاجران وارد بازار کار آن شهر شود. ما به هیچ وجه منکر نیستیم که مهاجران معضلاتی را برای ایران آن هم در شرایط اقتصادی فعلی داشته و دارند، اما نباید به‌خاطر چند مورد محدود همه اتباع خارجی دچار مشکل شوند.

کاظمی همچنین می‌افزاید: تجربه نشان داده در ایران برای مهاجران روز به روز همه چیز سخت‌تر شده و تقریبا گشایشی در کار نبوده است. این در حالی است که مهاجران وقتی به کشورهای دیگر می‌روند، با گذر زمان به عنوان شهروند پذیرفته شده و می‌توانند به‌طور معمولی زندگی کنند.

۳ نادیده گرفتن مهاجران فرهنگی

حالا اما باید ماجرا را از ابعاد دیگری هم نگریست. مهاجرانی که در ایران نقش فرهنگی پررنگی دارند، باید شرایطی متفاوت از دیگر مهاجران داشته باشند و این اتفاقی است که در همه جای دنیا هم رخ می‌دهد و اعطای تابعیت افتخاری به برخی چهره‌های فرهنگی و هنری را به امری معمول بدل کرده است.

هفته پیش کاظمی نتوانسته برای دختر دانشجویش که در تهران است پول واریز کند. زینب بیات با حال بدی و در حالی که خریدهایش را در فروشگاه رها کرده به خانه آمده است. روح‌ا... رضوی حالا موبایل ندارد چون همراه اول خطش را مسدود کرده یا مثلا قبل‌تر محمد سرور رجایی توانسته خودرویی بخرد و مجبور شده آن را به نام کسی دیگر بزند و.... این در حالی است که این چهره‌ها همه در سال‌های زندگی در کشورمان چیزی به داشته‌های فرهنگی‌مان اضافه کرده‌اند و باید برایمان شأن و جایگاهی متفاوت داشته باشند. «ای به امید کسان خفته! ز خود یاد آرید» که هر سال ایام دهه فجر شنیده می‌شود یا همان شعر زیبای کتاب‌های درسی نسل ما «و آتش چنان سوخت بال و پرش را...» مگر بخشی از گنجینه ادبی دوران معاصر ایران و از سروده‌های محمدکاظم کاظمی نیستند؟ و آیا حق او و افرادی مانند او نیست که با آنها برخورد بهتری داشته باشیم؟

۴ بانک مرکزی فقط مجری است

وقتی بانک مرکزی بنا به پیشنهاد شورای امنیت ملی سراغ موضوعی می‌رود، یعنی معضلاتی هست و تدابیری باید اندیشیده شود، اما آیا این تدابیر نمی‌تواند به شکل و فرمی بهتر اندیشیده شود، مثلا با یک پیامک به اتباع خارجی اطلاع داده شود که قرار است چه اتفاقی بیفتد.

موضوع را از طریق بانک مرکزی هم پیگیری کردیم و کارشناسان روابط عمومی با ما نهایت همکاری را داشتند، هرچند آقای زاهدپور، مدیر روابط عمومی این بانک در حال رفتن به جلسه بود و نتوانست پاسخ سؤالاتمان را بدهد، اما از مجموع بررسی‌های ما این‌طور برآمد که بانک مرکزی فقط مجری این بخشنامه بوده و آن را به بانک‌ها ارسال کرده است. بانک‌ها هم برای اطمینان از این‌که مدارک صاحب حساب جعلی نیست، مجبورند از آنها بخواهند حتما برگه اقامت دائم خود را به بانک محل حساب ببرند و همه چیز کنترل شود. شکی نیست در این‌که سیاستگذاری‌های اقتصادی وظیفه بانک است، اما حتما بانک‌ها می‌توانند تدابیری مثل صدور فراخوان برای ارائه مدارک اتباع پیش از قطع دسترسی آنها به حساب‌هایشان بیندیشند تا این معضلات هر ساله گریبان مهاجران را نگیرد.

گزارش هفته

تهدید سبک زندگی با کتاب

حوزه کتاب کودک مثل دیگر حوزه‌های نشر، این روزها وضعیت چندان مناسبی ندارد. آن هم با توجه به این‌که روزگاری کتاب‌های حوزه کودک با تیراژ چند ده‌هزارتایی منتشر می‌شده است و حالا نه این تعداد به افسانه‌ای می‌ماند، بلکه در بخش محتوایی هم چندان چنگی به دل نمی‌زند.

رئیس هیات مدیره انجمن ناشران کودک و نوجوان استان قم اما می‌گوید اگر ناشران دورنمایی از افق ۲۰ ساله نشر کودک داشته باشند، در ۲۰ سال آینده می‌توانیم مجموعه کتاب کودک و نوجوانی داشته باشیم که از همه نظر رشد کرده باشد.

علیرضا سبحانی‌نسب در گفت‌وگویش با خبرگزاری کتاب به رشد کمی نشر در ایران اشاره کرده و گفته است: ما از شروع انقلاب ناشران جدی داشته‌ایم، اما تعدادشان محدود بود. اگر کاری به چاپ می‌رسید، با اقبال ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار شمارگان روبه‌رو می‌شد. به مرور ناشرها افزایش پیدا کردند، نوشتن کتاب سخت‌تر و نیازها هم متنوع‌تر شد.

هزار ناشر کودک داریم

به گفته او الان به جایی رسیده‌ایم که هزار ناشر در حوزه کودک داریم. با توجه به این تنوع و تکثر، گاهی به خاطر راهبرد نادرست، یک موضوع را ده ناشر کار می‌کنند.

لذا شمارگان به هزار رسیده و این یکی از آفت‌هایی است که گرفتار نشر کودک شده است.

سبحانی همچنین به آسیب‌هایی که سبک زندگی ایرانی را تهدید می‌کند، پرداخته و می‌گوید: از پنج سال قبل جریانی شکل گرفت به نام ترجمه ژانر وحشت و رمان نوجوان و متعاقب آن، تبلیغ و توسعه سبک زندگی غربی شدت گرفت و در حال حاضر، این کار با حجم زیادی صورت می‌گیرد.

درگذشت معاون پژوهش شورای عالی انقلاب فرهنگی

دکتر احمد فضائلی، معاون پژوهشی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس سابق دانشگاه امام حسین (ع) صبح دیروز به علت عارضه قلبی دارفانی را وداع گفت.

مراسم تشییع پیکر آن مرحوم صبح امروز از محل مسجد پیامبر اعظم (ص) شهرک شهید محلاتی به سمت قطعه ۲۲۱ بهشت زهرا (س) برگزار شد. همچنین مراسم ترحیم مرحوم دکتر احمد فضائلی فردا (دوشنبه) از ساعت ۱۴ تا ۱۵ و ۳۰ دقیقه در مسجد نور در میدان فاطمی تهران برگزار می‌شود.

آن مرحوم علاوه بر حضور و فعالیت در میدان فرهنگ، علم و پژوهش از چهره‌های بارز در میان نیروهای وفادار به انقلاب و از جانبازان دفاع مقدس هم به شمار می‌رفت.

جام جم این ضایعه را به جامعه علمی و فرهنگی کشور تسلیت می‌گوید.

امروز چی داریم؟

چرا سیمکارتم را مسدود کردید؟

اول بگوییم از صفحه ویژه‌ای که محمدصادق علیزاده در آستانه **ایام فاطمیه** تدارک دیده؛ او به **کتاب «دختر پیامبر»** پرداخته که در آن، نویسنده براساس شواهد و قرائن مدعی شده مزار حضرت فاطمه (س) در منزل ایشان واقع شده است؛ حقیقتی تاریخی که همواره محل بحث و بررسی و مناقشه بوده است. این گزارش را به همراه خبرهایی از دیگر رویدادهای مرتبط با ایام فاطمیه در صفحه ۱۰ بخوانید.

آن روز که علی انصاریان در انتقاد به مجری ورزشی شبکه تلویزیونی افغانستان حرف‌هایی خارج از قاعده زد و به نژادپرستی و تفرقه‌افکنی متهم شد، گمان می‌بردیم تا مدت‌ها خبری از بروز و ظهور فاصله بین ما و مردم همسایه‌مان نباشد، اما خبر آمد که به خاطر مبارزه با پولشویی و تامین مبارزه با تروریسم زده‌اند حساب بانکی و سیمکارت‌های یکی از اپراتورهای پرکاربرد تلفن همراه اتباع خارجی در ایران را مسدود کرده‌اند. به همین بهانه، زینب مرتضایی‌فرد با **محمدکاظم کاظمی**، شاعر افغانستانی و همسرش که سال‌هاست در ایران زندگی می‌کنند گفت‌وگو کرده و همچنین سرنخ ماجرا را از بانک مرکزی و یکی دو جای دیگر گرفته است. محصول پیگیری‌های او را در همین صفحه (صفحه ۹) بخوانید.

می‌گویند بهترین روزنامه‌نگارها آنها هستند که بتوانند نخ ارتباطی بین وقایع و رویدادها با محفوظات خود پیدا کنند و روایتی که به دست می‌دهند پر باشد از محصولات سیستم تداعی ذهن‌شان؛ از فیلم و فوتبال و ادبیات گرفته تا تاریخ. ما چقدر رستگاریم که یکی از این روزنامه‌نگارها را در گروه‌مان داریم؛ علی رستگار، منتقد فیلم و ژورنالیستِ خوش‌محضر و طنازقلم. او امروز هم به فراخور قاعده‌ای که عرض کردیم، **ماجرای جنجالی ناجی تنها بازمانده پرواز بویینگ ۷۰۷** را در مسیری سینمایی انداخته و سر از دو فیلم قهرمان و شوخی درآورده و البته به مستند درخشان اون شب که بارون اومد کامران شیردل ارجاع ظریفی داده است.

اگر می‌خواهید بین مهرداد راضی، کسی که ادعا کرد تنها بازمانده این پرواز را نجات داده و نیز داستین هافمن، پرویز پرستویی، فاطمه معتمدآریا و حبیب رضایی چه ربط وثیقی هست، گزارش علی را در صفحه سینما (صفحه ۱۱) بخوانید.

صفحه آخر امروزمان اما به **نشست جشنواره هنر مقاومت** رفته و از حرف و حدیث‌های این نشست گزارش آورده؛ جشنواره‌ای که پنجمین دوره برگزاری‌اش مصادف شده با چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی و قرار است به هنرهای تصویرسازی، تایپوگرافی، نقاشی دیجیتال، پوستر، کارتون عکس و... بپردازد. این گزارش را در صفحه ۱۲ بخوانید و در جریان اتفاقات این جشنواره مهم و تاثیرگذار که هرسال برگزار می‌شود قرار بگیرید.